[**فهرست مطالب 1**](#_Toc427951216)

[**خطبه اول 2**](#_Toc427951217)

[**تربیت نوجوان و جوان از دیدگاه اسلام 2**](#_Toc427951218)

[**تربیت از دیدگاه قرآن 3**](#_Toc427951219)

[**مسئولیت و آگاهی نوجوان در روایات 3**](#_Toc427951220)

[**تربیت از دیدگاه پیشوایان دین 4**](#_Toc427951221)

[**تغافل جوان و نوجوان 5**](#_Toc427951222)

[**بهترین بستر برای تربیت اسلامی 6**](#_Toc427951223)

[**روش تربیتی نوجوانان از دیدگاه امام علی (ع) 7**](#_Toc427951224)

[**‌1. واقع بینانه و دور از تعصبات قبیلگی و خانوادگی 7**](#_Toc427951225)

[**2‌. تربیت و رشد تفکر دینی در سنین متفاوت 7**](#_Toc427951226)

[**3. تقویت حس اعتماد به نفس و شخصیت بخشی 7**](#_Toc427951227)

[**خطبه دوم 8**](#_Toc427951228)

[**گرامیداشت بوعلی سینا روز پزشک 8**](#_Toc427951229)

[**پزشکی ابن سینا 9**](#_Toc427951230)

[**ارزش پزشکی 9**](#_Toc427951231)

[**هویت جوامع اسلامی 9**](#_Toc427951232)

# خطبه اول

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم** «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»[[2]](#footnote-2)

**عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# تربیت نوجوان و جوان از دیدگاه اسلام

**از نظر اسلام دوران نوجوانی اهمیت زیادی دارد؛ زیرا در این دوران، شخصیت فردی و اجتماعی نوجوانان پایه‌ریزی می‌شود. روش تربیتی اسلام بر این امر تأکید دارد که نوجوان این دوران را بامعرفت و پاکی سپری کند؛ زیرا در این دوران تغییرات عمومی بدن و تأثیرات روانی، آن‌چنان سریع و همه‌جانبه است که او را دچار تشویش و نگرانی و برخوردها و ارتباط‌هایش با اطرافیان و خانواده را دچار مشکل می‌کند. ازاین رو، در این زمان است که او شدیداً نیاز به محبت دارد و در پی یافتن یک نقطهٔ اتکای روانی و روحی است و دوست دارد دیگران به شخصیتش احترام بگذارند و او را مورد توجه قرار دهند.**

**از دیدگاه اسلام، انسان چون به سن بلوغ برسد، مکلف است و در قبال اعمال و رفتارش، چه مثبت و چه منفی، مسئول است درگذشته نیز بعضی از علما، با برگزاری مراسم باشکوهی دوران بلوغ و تکلیف نوجوانانشان را جشن می‌گرفتند و آن‌ها را آگاه می‌ساختند که این مرحله از زندگی‌شان سرآغاز حیات با ارزش و جدیدی است که همانند سایر بزرگسالان رشد یافته‌اند و مورد خطاب خداوند قرار می‌گیرند مسئولیت پیدا می‌کنند و باید خود تصمیم بگیرند و در رفت و آمدها، نشست و برخاست‏ها و ارتباط با دیگران حریم و حدود الهی را رعایت کنند؛ و بدین‌سان با آن‌ها به‌عنوان یک شخصیت رشد یافته، رفتار می‌کردند. همین امر باعث پرورش رشد روحی و روانی آن‌ها و آمادگی برای پذیرفتن وظایف مهم و اساسی زندگی آینده می‌شد.**

# تربیت از دیدگاه قرآن

**قرآن کریم با بیان داستان حضرت یوسف (علیه‌السلام)، یادآور می‌شود که چگونه او در دوران حساس بلوغ یعنی اوایل دوران جوانی در معرض سخت‌ترین امتحان و خطرناک‌ترین واقعهٔ تاریخی زمان خود قرار گرفت و بااراده‌ای قوی و ایمانی راسخ از این آزمون الهی سربلند خارج شد و در قلهٔ شرافت و عفاف جای گرفت و شخصیتش برای نوجوانان به‌عنوان اسوه و نمونه‌ای کامل همیشه جاوید باقی ماند.**

**نوجوان و جوان مؤمن با بینش صحیحی که از اسلام الهام گرفته است، می‌داند که هر واقعهٔ ناگواری که در زندگی انسان اتفاق می‌افتد درصورتی‌که خود مسئول پدید آمدن آن نباشد در حکم آزمایش و ابتلا از طرف خداوند است که هدف آن سازندگی و رشد و کمال انسان است. حضرت علی (ع) می‌فرماید:** «ألمُؤمنُ یبتَلِی بأ نواعِ البَلاءِ»[[3]](#footnote-3) **مؤمن به انواع گرفتاری‌ها مبتلا می‌شود. هم‌چنین می‌فرماید:** «ألبَلاءُ لِلظالِم أدَبٌ و لِلمُؤمِن إمتِحان وَللِأولِیاء درجهٌ»[[4]](#footnote-4) **بلا و ناگواری در زندگی برای ستمگر، گوش مالی و برای مؤمن، آزمایش و امتحان و برای دوستان خدا درجه (یا موجب کسب درجهٔ بالاتر) است.**

**با مراجعه به زندگی رهبران و دانشمندان و انسان‌های بزرگ در طول تاریخ، ملاحظه می‌شود که بیش‌تر آنان آگاهانه با دشواری‌ها و حوادث گوناگون زندگی دست و پنجه نرم کرده‌اند و موفقیتشان در بزرگ‌سالی مرهون صبر و استقامتی است که در برابر سختی‌های دوران کودکی و نوجوانی از خود نشان داده‌اند.**

# مسئولیت و آگاهی نوجوان در روایات

**مسئله‌ای که باید در کنار مسئولیت و تکلیف نوجوان مورد توجه او قرار بگیرد این است که گرچه نوجوان مسئولیت‌پذیر می‌شود و تکالیف الهی متوجه او می‌گردد ولی اگر تکالیف خود را انجام دهد، مؤاخذه و عقاب نخواهد شد؛ زیرا او در این زمینه اطلاعات کافی ندارد؛ چنان‌که امام علی (ع) دراین‌باره می‌فرماید:** «جهلُ الشَبابِ معذورٌ علمُهُ مَحُقُور»[[5]](#footnote-5) **ناآگاهی نوجوانان پذیرفته و آگاهی و دانش آنان ناچیز است.**

**این روایت بیان می‌کند که عذر نادانی نوجوان مقبول است، زیرا علم او در نوجوانی محدود و نارساست.**

**پیامبر اعظم (ص) نیز می‌فرماید:** «الشباب شُعبَهٌ مِنَ الجُنونِ»[[6]](#footnote-6) **جوانی شعبه‌ای از جنون و دیوانگی است. چراکه نوجوان و جوان به‌آسانی نمی‌تواند رفتار و خواسته‌های خود را با نظارت شرع و عرف تطبیق دهد. شاید به همین جهت است که خداوند توّاب در برابر نادانی و جهل و جنون نوجوان و جوان که موجب بروز خطا در آن‌ها می‌گردد، توبه پذیری خویش را بیش‌تر به همین طبقه توصیه نموده است:** «ما منشی أحَبُّ إلَی اللّهِ مَن شابٍ تائِبٍ»[[7]](#footnote-7) **چیزی محبوب‌تر از توبه‌کننده در نزد خداوند نیست.  
دین اسلام پایه‌های تربیت را در درون افراد بنیان گذارده و آن‌ها را به رعایت اصولی سفارش کرده است که در صورت تحقق آن‌ها در وجود افراد، نظام اجتماعی از ثمرات مفید آن (مانند تعادل، روابط پایدار، محبت متقابل، نظارت و مراقبت اجتماعی و...) بهره‌مند می‌شود.**

**تقوا، برادری، عفو و بخشش، ترحم و دل سوزی، رعایت حقوق دیگران، جرئت و شهامت، ایثار و گذشت، مشورت، تعاون و هم کاری و... جزو اصول تربیت اجتماعی است که اسلام بدان‌ها سفارش کرده است. بدون تردید خانواده اولین نهادی است که این اصول در آن تجربه می‌شود و کودکان و نوجوانان در رفتار اعضای خانواده آن‌ها را نظاره می‌کنند.**

# تربیت از دیدگاه پیشوایان دین

**پیشوایان دین علاوه بر رعایت اصول تربیت، نظارت دقیق و مداومی در تربیت فرزندانشان داشتند و سعی وافر داشتند تا آن‌ها را متدین، متعهد و فعال پرورش دهند. به همین جهت همواره با آن‌ها دوست و رفیق بودند و با کمال محبت با آن‌ها رفتار می‌نمودند و در دشواری‌ها و مشکلات یار و یاور آن‌ها بودند. رسول اکرم (ص) دراین‌باره می‌فرماید:** «رَحِمَ اللّه عَبداً أعانَ وَلدَهُ عَلَی بِرِه بِالإِحسانِ إِلیهِ و التَألفِ لَه وَ تَعلیمِهِ و تَادیبِهِ»[[8]](#footnote-8) **خداوند رحمت کند بنده‌ای که فرزندش را بر نیکی و سعادتش یاری کند، به این‌که به او احسان نماید و با او رفتار دوستانه داشته باشد و به آموزش پرورش او بپردازد.**

**هم‌چنین پیشوایان دین، هرگز فرزندانشان را تحقیر و غریزهٔ رشد جویی‌شان را سرکوب نمی‌کردند بلکه به آن‌ها شخصیت می‌دادند و از کارهایی که موجب عقده و حقارت آن‌ها می‌شد دوری می‌جستند؛ زیرا می‌دانستند افرادی که برای خود شخصیتی قائل نیستند به هر انحراف و گناهی دست می‌زنند. از سوی دیگر اگر کسی در خود احساس شخصیت کند، آن را با گناه نابود نمی‌کند؛**

**چنان‌که امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید:** «مَن کَرَمت عَلَیهِ نَفسِهِ لَم یَهِنها بِالمَعصیهِ»[[9]](#footnote-9) **کسی که خود را گرامی می‌دارد آن را با گناه خوار نمی‌کند.**

**پیشوایان دین همواره فرزندان خود را نصیحت و امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند و اصرار داشتند در هر فرصتی با ارائهٔ حکمت‌ها و مطالب سازنده و عمیق اذهان صاف آن‌ها را بارور نمایند؛ چنانکه قرآن کریم نصایح لقمان حکیم به فرزندش را با خطاب زیبای ‌«یا بُنَی» گزارش می‌کند. امام علی (ع) هم در نامه‌ای اندرزهای خود به امام حسن (ع) را با ده بار خطاب ‌«یا بُنَی» همراه می‌کند.**

# تغافل جوان و نوجوان

**نکتهٔ مهمی که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد این است که در تربیت نوجوان، باید از خطاهای جزئی و کم‌اهمیت صرف‌نظر کرد و با بلندنظری و بزرگواری از کنار آن گذشت تا بتوان از موارد مهم‌تر با قاطعیت جلوگیری کرد. در تعلیم و تربیت اسلامی، این روش به تغافل تعبیر می‌شود. یعنی چنین وانمود کنیم که اشتباهات و خطاهای او را ندیده‌ایم. با به‌کارگیری این روش، دیگر احساسات نوجوان با تذکرهای پی‌درپی ما جریحه‌دار نمی‌شود و لجاجت و ستیزه‌جویی در او زمینهٔ رشد نمی‌یابد. تغافل سبب می‌شود که پردهٔ حجاب و حیای فطری در نوجوان دریده نشود و فرصت جبران و ترمیم از او گرفته نشود. تغافل نوعی برخورد بزرگوارانه و کریمانه است.**

**امام علی (ع) آن را از برترین کمالات انسان‌های بزرگوار می‌شمارد و می‌فرماید:** «أشرَفُ أخلاقِ الکَریم تَغافُلُهُ عَمَّا یَعلَم»[[10]](#footnote-10) **از برترین اخلاق انسان بزرگوار، تغافل او از دانسته‌های خویش است.**

**نباید فراموش کرد که تغافل نیز حدی دارد. اگر نوجوان خطاها را تکرار کند باید به‌گونه‌ای جلوی آن‌ها را گرفت. برخی افراد در روند تعلیم و تربیت، از اعمال خشونت و سخنان پرخاشگرانه و مسائلی از این دست بهره می‌برند؛ درحالی‌که باید دقت داشت هرگاه زمینهٔ استفاده از راهبردهای گفتاری وجود دارد نباید از تنبیه بدنی بهره برد؛ زیرا موجب خدشه‌دار شدن کرامت و شخصیت، سرخوردگی یا عدم اعتمادبه‌نفس و عقده و کینه نسبت به کسانی که رفتار نامطلوبی با او داشته‌اند می‌شود.**

# بهترین بستر برای تربیت اسلامی

**دوران کودکی و نوجوانی بهترین و مناسب‌ترین زمانی است که پدر و مادر می‌توانند فرزند خود را با اخلاق و آداب اسلامی آشنا سازند؛ زیرا در این دوره، کودک فقط پدر و مادر و محیط خانواده را می‌شناسد و به‌اصطلاح گوش و چشم او بسته است و تنها تحت پوشش شخصیتی خود تغذیهٔ روحی و فکری می‌شود.**

**در این برهه، روح کودک بسیار حساس و اثرپذیر است و همانند دوربین فیلم‌برداری همهٔ رفتارها را در خود ضبط می‌کند و به‌تدریج در درازمدت آنچه را که دیده انجام می‌دهد. اگر پدر و مادر در این دوره نسبت به تربیت فرزندان بی‌توجه باشند و خود عملاً الگوی تربیتی شایسته‌ای برای آنان نباشند و تنها به امر و نهی‌های خشک‌وخالی اکتفا کنند، کودکان و نوجوانان، بی‌تأثیر از چنین توصیه‌های توخالی، به رفتارها و خلقیات نامطلوب گرایش پیدا می‌کنند و به الگوهای منفی اخلاقی بیرون از خانه اقبال و اثرپذیری بیش‌تری نشان می‌دهند.**

**امیرالمؤمنین علی (ع) ضمن سفارش به فرزند خود امام حسن مجتبی (ع) به زمینهٔ بسیار مستعد روح نوجوانان برای رشد و تکامل اشاره کرده، می‌فرماید:** «وإِنّما قَلبُ الحَدَثِ کَالأرضِ الخالِیه ما أُلقِی فی‌ها منشی ءٍ قَبِلَتهُ فَبادَرتُکَ بِا لأدَبِ قَبلَ أن یقسُوَ قَلبَکَ و یشتَغِلَ لُبُکَ»[[11]](#footnote-11) **بی تردید دل نوجوان چون زمین آماده و بدون کشت است و آمادهٔ پذیرش هر بذری است که در آن افکنده شود، پس به تربیت تو شتافتم پیش از آن که دلت سخت شود و خاطرت به چیزی مشغول شود.**

**بخش عمده‌ای از پیروزی‌ها، موفقیت‌ها و احیاناً شکست‌ها و نابسامانی‌های دورهٔ بزرگ‌سالی ریشه در کمال تربیت یا سوء تربیت در دورهٔ کودکی و نوجوانی دارد.**

# روش تربیتی نوجوانان از دیدگاه امام علی (ع)

# ‌1. واقع‌بینانه و دور از تعصبات قبیلگی و خانوادگی

«لا تَقسِرؤُا أولَادَکُم عَلی آدابِکُم فَإنَّهُم مخلوُقوُنَ لِزَمَانٍ غَیرَ زَمانِکُم»[[12]](#footnote-12) **فرزندان خود را بر آداب و رسوم خود مجبور نسازید، زیرا آنان بر روزگاری غیر از روزگار شما تعلق دارند.**

# 2‌. تربیت و رشد تفکر دینی در سنین متفاوت

**چنان‌که خود ایشان فرزندانشان را در همان سنین آغازین زندگی با خداشناسی و توحید آشنا می‌ساختند.**

# 3. تقویت حس اعتمادبه‌نفس و شخصیت بخشی

**امام علی (ع) فن خطابه و سخن‌رانی را به فرزندان خود می‌آموخت. روزی امام حسن (ع) را واداشت تا به منبر رود و برای مردم خطبه بخواند. بعد از منبر و خطابه، امام او را ستود.**

**در یکی از شب‌های عید امام علی (ع) خطاب به فرزندش امام مجتبی (ع) فرمود: برخیز و برای مادران، برادران و خواهرانت سخنرانی کن، اما امام مجتبی (ع) در حضور پدر خجالت می‌کشید. امام علی (ع) برای این‌که فرزندش آسوده‌خاطر خطابه‌اش را ایراد کند، از اتاق خارج شد و روبه روی در ورودی منزل ایستاد و سخنان او را زیر نظر گرفت. امام مجتبی (ع) با حمد و ستایش سخن آغاز کرد و به جدش رسول خدا (ع) درود فرستاد و آنگاه با سخنان جالبی نظر همگان را به خود جلب کرد. در پایان سخن‌رانی امام علی (ع) وارد اتاق شد و امام حسن (ع) را در آغوش کشید و از خطابهٔ زیبای او تشکر کرد.**

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِی خُسْرٍ إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»[[13]](#footnote-13)

# خطبه دوم

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم** «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»[[14]](#footnote-14) **عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# گرامیداشت بوعلی سینا روز پزشک

**در ایران، اول** [**شهریور**](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%87%D8%B1%DB%8C%D9%88%D8%B1) **ماه، همزمان با زادروز** [**بوعلی سینا**](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A8%D9%88%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B3%DB%8C%D9%86%D8%A7)**، به پاس تألیفات و خدمات وی، به** [**علوم پزشکی**](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B9%D9%84%D9%88%D9%85_%D9%BE%D8%B2%D8%B4%DA%A9%DB%8C) **و فعالیت وی در این رشته، و تجلیل از پزشکان، روز پزشک نام‌گذاری شده است.**

**شیخ‌الرئیس ابن‌سینا به قولی در ماه صفر سال 370 هجری قمری از پدر بلخی بنام عبدالله و مادر بخارایی بنام ستاره در قریه خورمیثن (قریه‏ای میان بلخ و بخارا) چشم به جهان گشود.**

**ابوعلی سینا به گفته همه عالمان علم، یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان تمام دوره‌های تاریخی جهان است. چنین دربارهٔ او گفته‌اند که: هیچ‌یک از علوم زمان برای وی بیگانه نبوده است. بوعلی سینا در هجده‌سالگی، تمام علوم زمان خود را آموخته و بر آن مسلط شده بود. به‌طوری‌که سال‌ها بعد گفت: آنچه در آن زمان می‌دانستم، به همان‌گونه است که اکنون می‌دانم و تا به امروز چیزی بر آن نیفزوده‌ام.**

# پزشکی ابن‌سینا

**ابوعلی سینا، نه تنها یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان جهان، بلکه یکی از برجسته‌ترین چهره‌های تاریخ پزشکی در همه دوران‌هاست. مهم‌ترین اثر وی در پزشکی، کتاب قانون (القانون فی الطب) است که آن را در حدود 35 سالگی تألیف کرده است.**

**در طول تاریخ، پزشکی شغلی مقدس بوده و بسیاری از طبیبان روزگاران کهن، از عالمان دینی و اولیای الهی بوده‌اند و با شفادهی بیماری جسمی، آن را وسیله جذب و هدایت مردم به‌سوی ارزش‌های معنوی قرار داده‌اند.**

# ارزش پزشکی

**هراندازه موضوع علمی پراهمیت و هدف آن مقدس‌تر باشد، آن علم هم از ارزش و اهمیت بیش‌تری برخوردار خواهد بود. موضوع دانش پزشکی بدن انسان، و هدف آن تأمین سلامت و تندرستی آدمی است، و اهمیت این موضوع و هدف از دیدگاه اسلام بر کسی پوشیده نیست؛ زیرا اسلام تا آنجا به سلامت انسان اهمیت می‌دهد که اگر تکلیف واجبی به سلامت آدمی لطمه بزند، انجام آن حرام خواهد بود.**

**در اسلام، علم پزشکی همتای علم دین، ارزشمند به شمار آمده است؛ چنان‌که امام علی (ع) فرمود: دانش بر دو نوع است: دانش دینی و دانش بدن و سلامت آن. که اولی در سلامت روح آدمی می‌کوشد و دومی برای تندرستی و سلامت جسمی انسان تلاش می‌کند.**

# هویت جوامع اسلامی

**جامعه اسلامی هویت و تعریفی دارد که اگر این هویت از جامعه اسلامی ساقط شود اسلامیت جامعه اسلامی نیز از بین خواهد رفت.  هویت جامعه اسلامی هویت اَبوّت نبی اکرم (ص) است، اَبوّت نبی مکرم اسلام برای جامعه اسلامی اَبوّتی است که هم در کتاب خدا و هم در سنت به آن اشاره شده است.**

**در روایات متعددی به مسئله اَبوّت رسول اکرم (ص) اشاره شده است و جامعه اسلامی را به جامعه ولد تعبیر کرده‌اند و والد رسول مکرم اسلام است و (ما ولد) جامعه اسلامی و جامعه مسلم است. رسول اکرم (ص) از سوی خداوند آمر و ناهی معرفی شده است و قرآن کریم نیز او را به عنوان حاکم اول جهان اسلام معرفی می‌کند. امر و نهی مبنای هویت‌سازی است و جامعه‌ای که از حاکمی پیروی می‌کند هویت خود را تابع آن فردی که امر و نهی می‌کند قرار می‌دهد و در جامعه اسلامی آمر و ناهی وجود مقدس نبی مکرم اسلام است.**

**همان‌طور که تأکید شده است هویت جامعه اسلامی بر اساس اطاعت از خدا و رسولش است و این اطاعت هویتی واحدی را به وجود می‌آورد که این هویت نمی‌تواند هویتی دوگانه باشد اگر جامعه‌ای هویت دوگانه داشته باشد این نشان‌دهنده آن است که اطاعت از خدا و رسولش به‌طور کامل محقق نشده است. در هویت انقلاب اسلامی و بیانات رهبر کبیر انقلاب اسلامی و تأکیدات مقام معظم رهبری از ایجاد وحدت به‌عنوان وظیفه اساسی نظام نام‌برده شده است. لذا امیدواریم در تمام مقاطع و مشکلات پیش‌رو نظام اسلامی وحدت و انسجام خود را حفظ کند و دست غربی‌ها را از جوامع اسلامی کوتاه نماید، و در راستای پیشرفت و ترقی علم و دین اسلام رو به جلو حرکت کند.**

نسئلک اللهم و ندعوک بسمک العظیم الاعظم الاعزّه الاجلّ الاکرم یا الله و... یاارحم الرحمین اللهم الرزقنی توفیق الطاعة بعد المعصیة صدقة النیّة و عرفان الحرمة اللهم انصر الاسلام و اهله واخذل الکفر واهله.

1. **. سوره اعراف، آیه 43.** [↑](#footnote-ref-1)
2. **. حشر، آیه 18.** [↑](#footnote-ref-2)
3. . محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج 1، ص 484. [↑](#footnote-ref-3)
4. . محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج 81، ص 108 [↑](#footnote-ref-4)
5. . تمیمی آمدی، غررالحکم، ترجمهٔ محمد علی انصاری، ج 1، ص 372 [↑](#footnote-ref-5)
6. . بحارا لانوار، ج 17‌، ص 49. [↑](#footnote-ref-6)
7. . علی طبرسی، مشکوه الانوار، ص 155‌. [↑](#footnote-ref-7)
8. . میرزا حسین نوری، مستدرک الوسایل، ج 2، ص 626 [↑](#footnote-ref-8)
9. . جمال‌الدین خوانساری، شرح غررالحکم، ج 5‌، ص 357‌، ح 8730 [↑](#footnote-ref-9)
10. . لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص 115 [↑](#footnote-ref-10)
11. . نهج‌البلاغه، نامهٔ 31 [↑](#footnote-ref-11)
12. . ابن ابی الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج 20، ص 257 [↑](#footnote-ref-12)
13. . سوره والعصر. [↑](#footnote-ref-13)
14. . آل‌عمران، آیه 102. [↑](#footnote-ref-14)